

هشدار پیامبر (ص) نسبت به

خطر فقر فکری و سطحی‌نگری امت

هر وقت جاهل‌ها و نادان‌ها و بی‌خبر‌ها، مظهرِ قدس و تقوا شناخته شوند و مردم آنها را اسمبل مسلمان عملی بدانند، وسیله خوبی به دست زیرک‌های مغفیت‌پرست می‌افتد.

این زیرک‌ها، همواره آنها را از مقاصد خویش فرار می‌دهند و از وجود آنها سدی محکم، جلو افکار مصلحان واقعی می‌سازند.

بسیار دیده شده است که عناصر ضد اسلامی رسماً از این وسیله استفاده کرده‌اند، یعنی نیروی خود اسلام را علیه اسلام به کار انداخته‌اند. آری اگر توده مردم جاهل و بی‌خبر باشند، متناقض از سنگر خود اسلام استفاده می‌نمایند.

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: «ثَمَّ ما اخافُ عَلَی اُمَّتِی الْفَقْرَ وَلَکِنْ اخافُ عَلَیْهِمْ سَوْءَ التَّدْبِیرِ»، (عوالی اللئالی، جلد۲، صفحه۳۹) من از هجوم فقر و تنگدستی تر می‌ترسم بر امت خودم یمناک نیستم، آنچه از آن بر اتمم یبیمناک کج‌اندیشی است. آنچه فقر فکری بر اتمم وارد می‌کند، فقر اقتصادی وارد نمی‌کند»(۱)

پیغمبر اکرم از -طرفی- راجع به خطر نفاق شدیداً اظهار نگرانی می‌کند، از طرف دیگر راجع به اینکه اتمش- فقر فکری داشته -و ناحیه فقر اقتصادی بیم ندارد، فقر اتم من را از بد نمی‌آورد ولی از یک چیز دیگر بر اتم خودم بیمناک و آن کج فکری، بدفکری، بداندیشگی، جهل و نادانی- است- اگر مردم مسلمان، روشن‌بینی، دوربینی، آینده بینی، عینی بینی و ژرف‌بینی را از دست بدهند و ظاهرین بشوند آن وقت است که برای اسلام خطر پیدا می‌شود. از دیدگاه پیامبر اکرم اگر امت اسلامی از غای اندیشه برخوردار باشد ثروت بنیز پدیدآلش -می آید اما ولو ثروشان از دنیا بگذرد-، مثل ثروت امروز کشورهای اسلامی که همین نفت بزرگ‌ترین منبع ثروت دنیاست و بیشترش در کشورهای اسلامی است- ولی فقر فزاینده داشته باشند مانند فایده‌ای به حاصلش ندارد. حالا اگر- هر- دو خطر با هم پیدا بشود یعنی از یک طرف منافقا، بی‌دین‌های متظاهر زیرک، متظاهرها و ریاکارها و مدلس‌ها پیدا بشوند و از طرف دیگر مردم، جاهل و نادان باشند، آنها اینها را ابزار خودشان قرار می‌دهند».

- مجموعه آثار استاد شهید مطهری (جاذبه و دافعه علی(ع))، ج ۲، صص: ۳۳۵-۳۳۴، با تلخیص و ویرایش جزئی.
- مجموعه آثار استاد شهید مطهری(پانزده گفتار)، ج ۲۵، ص ۱۹۱ و صص ۲۱۴-۲۱۳، با تلخیص و ویرایش جزئی.

سه منبع قوی برای جلوگیری از تحریف دین اسلام

قرآن کریم، سنت قطعی پیامبر و ائمه معصومین(ع) و عقل قطعی؛ سه مقیاس و سه دستگاه تصفیه برای آلودگی‌هایی است که در طول تاریخ پیدا شده است.

مایه خویشختی ما این سه معیار است که مانع تحریف اسلام گردیده است.

این است که هیچ‌کس نمی‌تواند بگوید دین شما مثل ادیان دیگر در ابتدا هر چه بود ولی در طول تاریخ جریان‌هایی پیش آمد که آن را فاسد کرد، چنان‌که -الآن راجع به دین زردشت اصلاً نمی‌شود به دست آورد که کتاب اصلی زردشت چه بوده است. نمی‌شود اساساً فهمید زردشت در چه سال‌هایی در دنیا بود، گیرم یک روز تعلیمات درستی داشته است.کلمه «گفتار نیک، کردار نیک، پندار نیک» که تعلیمات نشد. اصلاً کوچک‌ترین حرفی که در دنیا وجود دارد این است، چون به‌قدری کلی است که اصلاً هیچ معنایی را در بر ندارد، مفهومی ندارد.

هر کسی حرف خودش را نیک می‌داند،هر کسی نوع کردارش را نیک می‌داند و همین‌طور در مورد پندار نیک، فکر نیک، هر یک از مسلک‌هایی که در دنیا وجود دارد، مثلاً دنیای سرمایه‌داری، یک سلسله حرف‌ها و یک سری کارها و یک سلسله فکر‌ها را می‌گوید اینها خوب است.

آن مسلکی می‌تواند در دنیا مسلک شمرده شود که به گفتار نیک، کردار نیک و پندار نیک قناعت نکند،بلکه بگوید گفتار نیک و بعد بگوید گفتار نیک این است،گفتار خوب را مشخص کند و همین‌طور کردار نیک و پندار نیک، در مسیحی گری و یهودی‌گری هم همین‌طور است. یگانه دینی که می‌توان در دنیا اصولش را نشان داد که هیچ دست اُلوده‌ای به آن نخورده و پاک مانده است، دین اسلام است.

نمی‌خواهم بگویم در دنیای اسلام هیچ جریان اُلوده‌ای پیدا نشده است، نه، ولی هر جریان اُلوده‌ای که پیدا بشود جریان پاکی در این دین وجود دارد که می‌تواند آن آلودگی‌ها را تصفیه کند. اولش خود قرآن است. مقیاس بزرگ، قرآن است.از قرآن که بگذریم، سنت قطعی و متواتر پیغمبر و برای ما شیعیان همچنین سنت قطعی و متواتر ائمه اطهار است. یعنی در میان این همه احادیث مشکوک و مظنون، احادیث، و سنت‌های قطعی داریم از پیغمبر و ائمه اطهار. اینها برای ما حجت است و می‌تواند معیار و مقیاس واقع بشود. دیگر اینکه قرآن کریم از اول عقل را حجت قرار داده است.

*** مجموعه آثار استاد شهید مطهری (اسلام و نیازهای زمان)** ۱(، ۲)، ج ۲۱، صص: ۱۰۰-۹۹- با تلخیص و ویرایش

سؤال خداوند از زنان مکشفه

خانم‌های مکشفه باید بدانند روزی خواهد رسید که خداوند از آنها سؤال خواهد کرد که شما چه کار کردید که دشمن من، دشمن دین من و دشمن قرآن من از شما تعریف کرد و شما را قهرمان نامید؟ آن روز روز سختی خواهد بود: «فَإِنَّا نَقُِّرُ فِی التَّائُورِ فَذَلِکَ یُؤْمِنُذِ یَوْمَ عَسِیرَ عَلَی الْکَافِرِینَ غَیْرَ نَبِیْسٍ»؛ «همانکه می‌گوید من نبودم، از روز روز سختی است، کافران را هیچ‌گونه راحتی و آسایش نیست» (مذتدر، آیات ۸- ۱)

روزی من و امثال من برآی تلقین تو خواهیم آمد و خواهیم گفت: اگر تکبر و منکر از کتاب تو سؤال کرد بگو: «القرآن کتابی»؛ حالا که آیات حجاب را زیر پا گذاشتی،وقتی آنجا بگویی القرآن کتابی خداوند از بطنان عرش خواهد گفت که کذب(دروغ)گفت. در روایت است بعضی‌ها در جواب تکبر و منکر که می‌پرسند: من ریکار(پروردگار تو) می‌گویم، الله ربی خداوند می‌فرماید که دروغ گفت، یعنی من رب او نبودم، او تربیت خود را دست من نداده بود.

آیا تا حالا فکر کردید که تکبر و منکر چرا نمی‌پرسند: من اله؟(معبودت کیست) بلکه می‌پرسند:من ریک،چون خداوند بسیار حساس است که تربیت خود را دست چه کسی دادی، آنجا خواهی گفت دست کائنات‌های مجازی ضد دین.

*** آیت‌الله سیدحسن عاملی**

از واژگان و اصطلاحات کلیدی قرآن، تقواست.

وسيله‌هایی برای تحقق این معنا در انسان است. در حقیقت فلسفه و هدف بسیاری از احکام الهی آن است تا انسان به تقوا دست یابد. تقوا مدیریت نفس از طریق کنترل عقلانی خواسته‌های نفسانی است. از این رو در آیات و روایات همه مراتب تقوا از ارزش والاّیی بر خوردار است هر چند که تحقق تقوای کامل مطلوب است، ولی تحقق هر مرتبه ای از آن، گامی در راه رسیدن به هدف آفرینش است. در روایات اسلامی آمده است که **کسی که تقوا روزی اش شده باشد خیر دنیا و آخرت به او داده شده است.**

نوشتار پیش رو به چپستی ، اهمیت و جایگاه تقوا در آموزه‌های دینی پرداخته و ضمن بیان ویژگی‌های اهل تقوا ، راه‌های دستیابی به این فضیلت بزرگ را تبیین کرده است.

تقوا؛ نهایت رضایتمندی خدا

تقوا به معنای حفظ کردن خویشتن از چیزی است که انسان از آن می‌ترسد و در اصطلاح شرع به معنای نگهداری نفس از چیزی است که موجب گناه می‌شود و این معنا با پرهیز از آنچه خداوند نهی کرده، حاصل می‌شود و کمال آن به وسیله ترک برخی مباحات تحقق می‌یابد. (مفردات الفاظ قرآن کریم، راغب اصفهانی، ص۱۸۸، ذیل واژه «وقی») در قرآن حدود ۱۱۹ اثر و کارکرد برای تقوا بیان شده است.(فرهنگ قرآن، ج ۸، ذیل واژه تقوا) از جمله این آثار می‌توان به آرازش یافتن دل‌ها (آل عمران، آیات ۱۲۵ و ۱۲۶)، امنیت و آرامش در بهشت(حجر، آیات ۴۵ و ۴۶)، رفع اندوه در دنیا و آخرت(اعراف، آیة ۳۵؛ یونس، آیات ۶۲ و ۶۳؛ زمر، آیة ۶۱؛ زخرف، آیات ۶۷ و ۶۸)، رهایی از سختی‌ها و گرفتاری‌ها و رسیدن به آسایش و رفاه(اعراف، آیات ۹۴ و ۹۶، طلاق، آیات ۲ تا ۴؛ لیل، آیات ۵ و ۷)، دستیابی به بصیرت و قدرت شناخت حق با باطل (اعراف، آیة ۲۰۱، انفال، آیة ۲۹)، و حکمت(مریم، آیات ۱۲ و ۱۳)، رشد و کمال(مهمان)، بهره‌مندی از تعلیمات ویژه خداوندی و علم الهی(بقره، آیة ۲۸)، مایه امیدواری به رحمت الهی (انعام، آیة ۱۵۵؛ اعراف، آیة ۶۳)، رسیدن به مقام احسان و نیکی(بقره،آیات ۱۷۷ و ۱۸۹)، رسیدن به مقامات بلند و ارزشمندان انسان (بقره، آیة ۱۲۲؛احزاب، آیة ۳۲)، برخورداری از نور ویژه الهی در زندگی (انبیاء، آیة ۴۸؛ حدید، آیة ۲۸)، بهره‌مندی از ولایت الهی (یونس، آیات ۶۲ و ۶۳؛ جاثیه، آیة ۱۹)، ایجاد تحولات اجتماعی و تاریخی شگرف در جوامع بشری(اعراف، آیة ۹۶)، تأخیر اجل و مرگ انسان(نوح)، آیات ۳ و ۴)، تقرب به خدا(آل عمران، آیة ۱۵؛ مانند، آیة ۲۷)، دستیابی به کرامت و بزرگواری(حجرات، آیة ۱۳) و مانند آن اشاره کرد.

از آیات قرآن ایسن معنا به دست می‌آید که همه خوبی‌ها و خیرها در گرو تقوای الهی است. از این‌رو تقوا کلید دستیابی به خیر(عنکبوت، آیة ۱۶؛ تغابن، آیة ۱۶) دانسته شده است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نیز در این باره می‌فرماید: مَنْ رَزَقَ تَقَى فَقَدْ رَزِقَ خَیْرَ الدُّنْیَا وَالْآخِرَةِ، هر کس تقوا روزی اش شود، خیر دنیا و آخرت روزی او شده است. (کنزالعمال، ج۳، ص ۱۰۳، ۱۵۱، ح۳۶۴۷۲)

بنابراین باید به مسئله تقوا به عنوان مهم‌ترین مسئله در زندگی توجه کرد؛ چرا که همه چیز انسان در دنیا و آخرت و امور مادی و معنوی به این امر بستگی دارد. با نگاهی گذرا به همین چند موردی که درباره آثار و برکات تقوا بیان شده است می‌توان دریافت که تقوا تا چندانازه در زندگی انسان نقش دارد. لذا باید خیر را تنها در تقوا جست و بدان تمسک کرد. همچنین از آیات قرآن به دست می‌آید که تقوا عامل رضایتمندی خدا از بنده است، چنان که همین تقوا رضایتمندی بنده را به سبب بهره مندی از عنایت الهی به دنبال خواهد داشت.(لیل، آیات ۱۷ و ۲۱) امام علی(ع) که در مقام قطع از غیر و وصل به خداست و در تمامیت مقام تقوای الهی نشسته است در این باره می‌فرماید: اِنَّ التَّقْوَى مَنْتَهَى رِیاضِی الله مِنْ عِبَادَةِ وَحَاجَتُهُ مِنْ خَلْقِهِ فَاتَّقُوا الله الَّذِیْ اَنْ اَسْرَزْتُمْ عِلْمَهُ وَاَنْ اَعْلَنْتُمْ کَنْهَهُ؛ نهایت خشودنی تقوای الهی است.

با نگاهی گذرا به همین چند موردی که درباره آثار و برکات تقوا بیان شده است می‌توان دریافت که تقوا تا چندانازه در زندگی انسان نقش دارد. لذا باید خیر را تنها در تقوا جست و بدان تمسک کرد. همچنین از آیات قرآن به دست می‌آید که تقوا عامل رضایتمندی بنده را به سبب بهره مندی از عنایت الهی به دنبال خواهد داشت.(لیل، آیات ۱۷ و ۲۱) امام علی(ع) که در مقام قطع از غیر و وصل به خداست و در تمامیت مقام تقوای الهی نشسته است در این باره می‌فرماید: اِنَّ التَّقْوَى مَنْتَهَى رِیاضِی الله مِنْ عِبَادَةِ وَحَاجَتُهُ مِنْ خَلْقِهِ فَاتَّقُوا الله الَّذِیْ اَنْ اَسْرَزْتُمْ عِلْمَهُ وَاَنْ اَعْلَنْتُمْ کَنْهَهُ؛ نهایت خشودنی تقوای الهی است.

می‌توان تقوا را یکی از عوامل بهره‌مندی انسان از الهامات و وحی الهی دانست. کسی که می‌خواهد از شر وحی شیطانی در امان باشد می‌بایست به تقوا به عنوان یکی از عوامل بهره‌مندی از تعلیمات خاص الهی و دستیابی به علم حضوری و شهودی توجه داشته باشد تا به کمک نور الهی بتواند حقایق را دریابد و از عقل نوری و علم لدنی رشدی بهره‌مند شود.

خداوند از بندگانش و خواسته او از آفریدگانش تقواست، پس تقوا از خداوندی بکنید که اگر پنهان کنید می‌داند و اگر آشکار سازید می‌نویسد. (غزrالحکم ، ج ۱، ص ۲۴۱) اصولا درهای آسمان و زمین به سبب تقوا گشوده می‌شود و برکات از آسمان و زمین و از هر سو به سوی بنده فرود می‌آید. (اعراف، آیة ۹۶) پس تقواست که کلید هر خیری است که انسان با این کلید می‌تواند به همه چیز برسد؛ زیرا تقوا

معارفMaarefkayhan@Kayhan.ir

از واژگان و اصطلاحات کلیدی قرآن، تقواست.

وسيله‌هایی برای تحقق این معنا در انسان است. در حقیقت فلسفه و هدف بسیاری از احکام الهی آن است تا انسان به تقوا دست یابد. تقوا مدیریت نفس از طریق کنترل عقلانی خواسته‌های نفسانی است. از این رو در آیات و روایات همه مراتب تقوا از ارزش والاّیی بر خوردار است هر چند که تحقق تقوای کامل مطلوب است، ولی تحقق هر مرتبه ای از آن، گامی در راه رسیدن به هدف آفرینش است. در روایات اسلامی آمده است که **کسی که تقوا روزی اش شده باشد خیر دنیا و آخرت به او داده شده است.**

نوشتار پیش رو به چپستی ، اهمیت و جایگاه تقوا در آموزه‌های دینی پرداخته و ضمن بیان ویژگی‌های اهل تقوا ، راه‌های دستیابی به این فضیلت بزرگ را تبیین کرده است.

نشانه‌های اهل تقوا

برای اهل تقوا نشانه‌هایی است که بدان شناخته می‌شوند. در آیات و است(ذاریات، آیة ۵۰) به هر خیر و کمالی می‌رسد؛ چرا که خداوند کمال مطلق و خیر مطلق است.

امام علی(ع) در این باره می‌فرماید: لَوْ اَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْاَرْضَ کَانَتَا عَلَی عَبدِ صَدِیقِ الْخَدِیْثِ وَاَدَّاهُ الْاِمَانَةُ وَالْوَفَاءُ

کارهای خیر پیروز شوند و نخستین کسی باشند که به آن کار خیر رو آورده و آن را انجام می‌دهند. (بقره، آیة ۱۶۸؛ مانند، آیة ۴۸)

از دیگر نشانه‌های اهل تقوا پذیرش عدالت در همه حال است؛ چه به نفعشان باشد یا به ضررشان. در حالی که گروهی از مردم تنها عدالت را در حق خود می‌خواهند و از اجرای عدالت علیه خود به شدت پرهیز داشته و مخالفت می‌ورزند و تن به اصل عدالت نمی‌دهند.

کسی که اهل تقواست، عدالت را حتی علیه خود می‌پذیرد و تحمل می‌کند، (مانده، آیة ۸؛ انعام، آیة ۱۵۲) پیامبر(ص) درباره نشانه‌های تقوا می‌فرماید: اَنْتَقَى التَّاسِ مَن قَالَ الْحَقَّ وَاَدَّاهُ الْاِمَانَةُ وَالْوَفَاءُ

نگاهی به چپستی و اهمیت تقوا و راه‌های دستیابی به آن

منصور حسینی

مردم، کسی است که حق بگوید، چه به سودش باشد چه به زیانش. (میزان الحکمه، ح ۲۲۴۸۳)

البته تقوا همانند اسلام و ایمان دارای مراتب و درجاتی است. تقوای کامل تقوای خاصی است. در حدیث آمده: سَبَلُ الصَّادِقِ(ع)عَن قَوْلِ الله عَزَّوَجَلَّ: (اِنَّقَوْلَ الله حَقَّ قَنَاتِهِ) قَالَ: يَطَاعُ فَلَا يُعْصَى وَيُذَكَّرُ فَلَا يُنْسَى وَيُسَكَّرُ فَلَا يُكْفَرُ؛ از امام صادق(ع)درباره آیة (تقوای الهی داشته باشید آن گونه که حق تقواست) سؤال شد، فرمودند: از خدا فرمان می‌برد و نافرمانی نمی‌کند، به یاد اوست و فراموشش نمی‌کند، شکر گزار اوست و گفران نمی‌کند. (تحف العقول، ج ۱، ص ۳۶۲)

رسول‌الله(ص) درباره نخستین گام‌های تقوا می‌فرماید: لَايَكُونُ الرَّجُلُ مِنَ الْمُتَّقِينَ حَتَّى يَحَاسِبَ نَفْسَهُ أَشَدَّ مِنْ حَاسِبَةِ الشَّرِيعِ لِشَرِكِهِ فَيَعْلَمَ مِنْ اَيْنَ مَطْعَمُهُ وَمِنْ اَيْنَ مَشْرَبُهُ وَمِنْ اَيْنَ مَلْبَسُهُ اِمِنْ جِلِّ ذَلِكْ اَمْ مِنْ خَرَامٍ؛ این است که آنچه را نمی‌دانی پیامبری را

رسول‌الله(ص) درباره نخستین گام‌های تقوا می‌فرماید: لَايَكُونُ الرَّجُلُ مِنَ الْمُتَّقِينَ حَتَّى يَحَاسِبَ نَفْسَهُ أَشَدَّ مِنْ حَاسِبَةِ الشَّرِيعِ لِشَرِكِهِ فَيَعْلَمَ مِنْ اَيْنَ مَطْعَمُهُ وَمِنْ اَيْنَ مَشْرَبُهُ وَمِنْ اَيْنَ مَلْبَسُهُ اِمِنْ جِلِّ ذَلِكْ اَمْ مِنْ خَرَامٍ؛ این است که آنچه را نمی‌دانی پیامبری را

رسول‌الله(ص) درباره نخستین گام‌های تقوا می‌فرماید: لَايَكُونُ الرَّجُلُ مِنَ الْمُتَّقِينَ حَتَّى يَحَاسِبَ نَفْسَهُ أَشَدَّ مِنْ حَاسِبَةِ الشَّرِيعِ لِشَرِكِهِ فَيَعْلَمَ مِنْ اَيْنَ مَطْعَمُهُ وَمِنْ اَيْنَ مَشْرَبُهُ وَمِنْ اَيْنَ مَلْبَسُهُ اِمِنْ جِلِّ ذَلِكْ اَمْ مِنْ خَرَامٍ؛ این است که آنچه را نمی‌دانی پیامبری را

رسول‌الله(ص) درباره نخستین گام‌های تقوا می‌فرماید: لَايَكُونُ الرَّجُلُ مِنَ الْمُتَّقِينَ حَتَّى يَحَاسِبَ نَفْسَهُ أَشَدَّ مِنْ حَاسِبَةِ الشَّرِيعِ لِشَرِكِهِ فَيَعْلَمَ مِنْ اَيْنَ مَطْعَمُهُ وَمِنْ اَيْنَ مَشْرَبُهُ وَمِنْ اَيْنَ مَلْبَسُهُ اِمِنْ جِلِّ ذَلِكْ اَمْ مِنْ خَرَامٍ؛ این است که آنچه را نمی‌دانی پیامبری را

رسول‌الله(ص) درباره نخستین گام‌های تقوا می‌فرماید: لَايَكُونُ الرَّجُلُ مِنَ الْمُتَّقِينَ حَتَّى يَحَاسِبَ نَفْسَهُ أَشَدَّ مِنْ حَاسِبَةِ الشَّرِيعِ لِشَرِكِهِ فَيَعْلَمَ مِنْ اَيْنَ مَطْعَمُهُ وَمِنْ اَيْنَ مَشْرَبُهُ وَمِنْ اَيْنَ مَلْبَسُهُ اِمِنْ جِلِّ ذَلِكْ اَمْ مِنْ خَرَامٍ؛ این است که آنچه را نمی‌دانی پیامبری را

رسول‌الله(ص) درباره نخستین گام‌های تقوا می‌فرماید: لَايَكُونُ الرَّجُلُ مِنَ الْمُتَّقِينَ حَتَّى يَحَاسِبَ نَفْسَهُ أَشَدَّ مِنْ حَاسِبَةِ الشَّرِيعِ لِشَرِكِهِ فَيَعْلَمَ مِنْ اَيْنَ مَطْعَمُهُ وَمِنْ اَيْنَ مَشْرَبُهُ وَمِنْ اَيْنَ مَلْبَسُهُ اِمِنْ جِلِّ ذَلِكْ اَمْ مِنْ خَرَامٍ؛ این است که آنچه را نمی‌دانی پیامبری را

رسول‌الله(ص) درباره نخستین گام‌های تقوا می‌فرماید: لَايَكُونُ الرَّجُلُ مِنَ الْمُتَّقِينَ حَتَّى يَحَاسِبَ نَفْسَهُ أَشَدَّ مِنْ حَاسِبَةِ الشَّرِيعِ لِشَرِكِهِ فَيَعْلَمَ مِنْ اَيْنَ مَطْعَمُهُ وَمِنْ اَيْنَ مَشْرَبُهُ وَمِنْ اَيْنَ مَلْبَسُهُ اِمِنْ جِلِّ ذَلِكْ اَمْ مِنْ خَرَامٍ؛ این است که آنچه را نمی‌دانی پیامبری را

رسول‌الله(ص) درباره نخستین گام‌های تقوا می‌فرماید: لَايَكُونُ الرَّجُلُ مِنَ الْمُتَّقِينَ حَتَّى يَحَاسِبَ نَفْسَهُ أَشَدَّ مِنْ حَاسِبَةِ الشَّرِيعِ لِشَرِكِهِ فَيَعْلَمَ مِنْ اَيْنَ مَطْعَمُهُ وَمِنْ اَيْنَ مَشْرَبُهُ وَمِنْ اَيْنَ مَلْبَسُهُ اِمِنْ جِلِّ ذَلِكْ اَمْ مِنْ خَرَامٍ؛ این است که آنچه را نمی‌دانی پیامبری را

رسول‌الله(ص) درباره نخستین گام‌های تقوا می‌فرماید: لَايَكُونُ الرَّجُلُ مِنَ الْمُتَّقِينَ حَتَّى يَحَاسِبَ نَفْسَهُ أَشَدَّ مِنْ حَاسِبَةِ الشَّرِيعِ لِشَرِكِهِ فَيَعْلَمَ مِنْ اَيْنَ مَطْعَمُهُ وَمِنْ اَيْنَ مَشْرَبُهُ وَمِنْ اَيْنَ مَلْبَسُهُ اِمِنْ جِلِّ ذَلِكْ اَمْ مِنْ خَرَامٍ؛ این است که آنچه را نمی‌دانی پیامبری را

رسول‌الله(ص) درباره نخستین گام‌های تقوا می‌فرماید: لَايَكُونُ الرَّجُلُ مِنَ الْمُتَّقِينَ حَتَّى يَحَاسِبَ نَفْسَهُ أَشَدَّ مِنْ حَاسِبَةِ الشَّرِيعِ لِشَرِكِهِ فَيَعْلَمَ مِنْ اَيْنَ مَطْعَمُهُ وَمِنْ اَيْنَ مَشْرَبُهُ وَمِنْ اَيْنَ مَلْبَسُهُ اِمِنْ جِلِّ ذَلِكْ اَمْ مِنْ خَرَامٍ؛ این است که آنچه را نمی‌دانی پیامبری را

رسول‌الله(ص) درباره نخستین گام‌های تقوا می‌فرماید: لَايَكُونُ الرَّجُلُ مِنَ الْمُتَّقِينَ حَتَّى يَحَاسِبَ نَفْسَهُ أَشَدَّ مِنْ حَاسِبَةِ الشَّرِيعِ لِشَرِكِهِ فَيَعْلَمَ مِنْ اَيْنَ مَطْعَمُهُ وَمِنْ اَيْنَ مَشْرَبُهُ وَمِنْ اَيْنَ مَلْبَسُهُ اِمِنْ جِلِّ ذَلِكْ اَمْ مِنْ خَرَامٍ؛ این است که آنچه را نمی‌دانی پیامبری را

رسول‌الله(ص) درباره نخستین گام‌های تقوا می‌فرماید: لَايَكُونُ الرَّجُلُ مِنَ الْمُتَّقِينَ حَتَّى يَحَاسِبَ نَفْسَهُ أَشَدَّ مِنْ حَاسِبَةِ الشَّرِيعِ لِشَرِكِهِ فَيَعْلَمَ مِنْ اَيْنَ مَطْعَمُهُ وَمِنْ اَيْنَ مَشْرَبُهُ وَمِنْ اَيْنَ مَلْبَسُهُ اِمِنْ جِلِّ ذَلِكْ اَمْ مِنْ خَرَامٍ؛ این است که آنچه را نمی‌دانی پیامبری را

رسول‌الله(ص) درباره نخستین گام‌های تقوا می‌فرماید: لَايَكُونُ الرَّجُلُ مِنَ الْمُتَّقِينَ حَتَّى يَحَاسِبَ نَفْسَهُ أَشَدَّ مِنْ حَاسِبَةِ الشَّرِيعِ لِشَرِكِهِ فَيَعْلَمَ مِنْ اَيْنَ مَطْعَمُهُ وَمِنْ اَيْنَ مَشْرَبُهُ وَمِنْ اَيْنَ مَلْبَسُهُ اِمِنْ جِلِّ ذَلِكْ اَمْ مِنْ خَرَامٍ؛ این است که آنچه را نمی‌دانی پیامبری را

رسول‌الله(ص) درباره نخستین گام‌های تقوا می‌فرماید: لَايَكُونُ الرَّجُلُ مِنَ الْمُتَّقِينَ حَتَّى يَحَاسِبَ نَفْسَهُ أَشَدَّ مِنْ حَاسِبَةِ الشَّرِيعِ لِشَرِكِهِ فَيَعْلَمَ مِنْ اَيْنَ مَطْعَمُهُ وَمِنْ اَيْنَ مَشْرَبُهُ وَمِنْ اَيْنَ مَلْبَسُهُ اِمِنْ جِلِّ ذَلِكْ اَمْ مِنْ خَرَامٍ؛ این است که آنچه را نمی‌دانی پیامبری را

رسول‌الله(ص) درباره نخستین گام‌های تقوا می‌فرماید: لَايَكُونُ الرَّجُلُ مِنَ الْمُتَّقِينَ حَتَّى يَحَاسِبَ نَفْسَهُ أَشَدَّ مِنْ حَاسِبَةِ الشَّرِيعِ لِشَرِكِهِ فَيَعْلَمَ مِنْ اَيْنَ مَطْعَمُهُ وَمِنْ اَيْنَ مَشْرَبُهُ وَمِنْ اَيْنَ مَلْبَسُهُ اِمِنْ جِلِّ ذَلِكْ اَمْ مِنْ خَرَامٍ؛ این است که آنچه را نمی‌دانی پیامبری را

رسول‌الله(ص) درباره نخستین گام‌های تقوا می‌فرماید: لَايَكُونُ الرَّجُلُ مِنَ الْمُتَّقِينَ حَتَّى يَحَاسِبَ نَفْسَهُ أَشَدَّ مِنْ حَاسِبَةِ الشَّرِيعِ لِشَرِكِهِ فَيَعْلَمَ مِنْ اَيْنَ مَطْعَمُهُ وَمِنْ اَيْنَ مَشْرَبُهُ وَمِنْ اَيْنَ مَلْبَسُهُ اِمِنْ جِلِّ ذَلِكْ اَمْ مِنْ خَرَامٍ؛ این است که آنچه را نمی‌دانی پیامبری را

رسول‌الله(ص) درباره نخستین گام‌های تقوا می‌فرماید: لَايَكُونُ الرَّجُلُ مِنَ الْمُتَّقِينَ حَتَّى يَحَاسِبَ نَفْسَهُ أَشَدَّ مِنْ حَاسِبَةِ الشَّرِيعِ لِشَرِكِهِ فَيَعْلَمَ مِنْ اَيْنَ مَطْعَمُهُ وَمِنْ اَيْنَ مَشْرَبُهُ وَمِنْ اَيْنَ مَلْبَسُهُ اِمِنْ جِلِّ ذَلِكْ اَمْ مِنْ خَرَامٍ؛ این است که آنچه را نمی‌دانی پیامبری را

رسول‌الله(ص) درباره نخستین گام‌های تقوا می‌فرماید: لَايَكُونُ الرَّجُلُ مِنَ الْمُتَّقِينَ حَتَّى يَحَاسِبَ نَفْسَهُ أَشَدَّ مِنْ حَاسِبَةِ الشَّرِيعِ لِشَرِكِهِ فَيَعْلَمَ مِنْ اَيْنَ مَطْعَمُهُ وَمِنْ اَيْنَ مَشْرَبُهُ وَمِنْ اَيْنَ مَلْبَسُهُ اِمِنْ جِلِّ ذَلِكْ اَمْ مِنْ خَرَامٍ؛ این است که آنچه را نمی‌دانی پیامبری را

رسول‌الله(ص) درباره نخستین گام‌های تقوا می‌فرماید: لَايَكُونُ الرَّجُلُ مِنَ الْمُتَّقِينَ حَتَّى يَحَاسِبَ نَفْسَهُ أَشَدَّ مِنْ حَاسِبَةِ الشَّرِيعِ لِشَرِكِهِ فَيَعْلَمَ مِنْ اَيْنَ مَطْعَمُهُ وَمِنْ اَيْنَ مَشْرَبُهُ وَمِنْ اَيْنَ مَلْبَسُهُ اِمِنْ جِلِّ ذَلِكْ اَمْ مِنْ خَرَامٍ؛ این است که آنچه را نمی‌دانی پیامبری را

رسول‌الله(ص) درباره نخستین گام‌های تقوا می‌فرماید: لَايَكُونُ الرَّجُلُ مِنَ الْمُتَّقِينَ حَتَّى يَحَاسِبَ نَفْسَهُ أَشَدَّ مِنْ حَاسِبَةِ الشَّرِيعِ لِشَرِكِهِ فَيَعْلَمَ مِنْ اَيْنَ مَطْعَمُهُ وَمِنْ اَيْنَ مَشْرَبُهُ وَمِنْ اَيْنَ مَلْبَسُهُ اِمِنْ جِلِّ ذَلِكْ اَمْ مِنْ خَرَامٍ؛ این است که آنچه را نمی‌دانی پیامبری را

رسول‌الله(ص) درباره نخستین گام‌های تقوا می‌فرماید: لَايَكُونُ الرَّجُلُ مِنَ الْمُتَّقِينَ حَتَّى يَحَاسِبَ نَفْسَهُ أَشَدَّ مِنْ حَاسِبَةِ الشَّرِيعِ لِشَرِكِهِ فَيَعْلَمَ مِنْ اَيْنَ مَطْعَمُهُ وَمِنْ اَيْنَ مَشْرَبُهُ وَمِنْ اَيْنَ مَلْبَسُهُ اِمِنْ جِلِّ ذَلِكْ اَمْ مِنْ خَرَامٍ؛ این است که آنچه را نمی‌دانی پیامبری را

رسول‌الله(ص) درباره نخستین گام‌های تقوا می‌فرماید: لَايَكُونُ الرَّجُلُ مِنَ الْمُتَّقِينَ حَتَّى يَحَاسِبَ نَفْسَهُ أَشَدَّ مِنْ حَاسِبَةِ الشَّرِيعِ لِشَرِكِهِ فَيَعْلَمَ مِنْ اَيْنَ مَطْعَمُهُ وَمِنْ اَيْنَ مَشْرَبُهُ وَمِنْ اَيْنَ مَلْبَسُهُ اِمِنْ جِلِّ ذَلِكْ اَمْ مِنْ خَرَامٍ؛ این است که آنچه را نمی‌دانی پیامبری را

رسول‌الله(ص) درباره نخستین گام‌های تقوا می‌فرماید: لَايَكُونُ الرَّجُلُ مِنَ الْمُتَّقِينَ حَتَّى يَحَاسِبَ نَفْسَهُ أَشَدَّ مِنْ حَاسِبَةِ الشَّرِيعِ لِشَرِكِهِ فَيَعْلَمَ مِنْ اَيْنَ مَطْعَمُهُ وَمِنْ اَيْنَ مَشْرَبُهُ وَمِنْ اَيْنَ مَلْبَسُهُ اِمِنْ جِلِّ ذَلِكْ اَمْ مِنْ خَرَامٍ؛ این است که آنچه را نمی‌دانی پیامبری را

رسول‌الله(ص) درباره نخستین گام‌های تقوا می‌فرماید: لَايَكُونُ الرَّجُلُ مِنَ الْمُتَّقِينَ حَتَّى يَحَاسِبَ نَفْسَهُ أَشَدَّ مِنْ حَاسِبَةِ الشَّرِيعِ لِشَرِكِهِ فَيَعْلَمَ مِنْ اَيْنَ مَطْعَمُهُ وَمِنْ اَيْنَ مَشْرَبُهُ وَمِنْ اَيْنَ مَلْبَسُهُ اِمِنْ جِلِّ ذَلِكْ اَمْ مِنْ خَرَامٍ؛ این است که آنچه را نمی‌دانی پیامبری را

رسول‌الله(ص) درباره نخستین گام‌های تقوا می‌فرماید: لَايَكُونُ الرَّجُلُ مِنَ الْمُتَّقِينَ حَتَّى يَحَاسِبَ نَفْسَهُ أَشَدَّ مِنْ حَاسِبَةِ الشَّرِيعِ لِشَرِكِهِ فَيَعْلَمَ مِنْ اَيْنَ مَطْعَمُهُ وَمِنْ اَيْنَ مَشْرَبُهُ وَمِنْ اَيْنَ مَلْبَسُهُ اِمِنْ جِلِّ ذَلِكْ اَمْ مِنْ خَرَامٍ؛ این است که آنچه را نمی‌دانی پیامبری را

رسول‌الله(ص) درباره نخستین گام‌های تقوا می‌فرماید: لَايَكُونُ الرَّجُلُ مِنَ الْمُتَّقِينَ حَتَّى يَحَاسِبَ نَفْسَهُ أَشَدَّ مِنْ حَاسِبَةِ الشَّرِيعِ لِشَرِكِهِ فَيَعْلَمَ مِنْ اَيْنَ مَطْعَمُهُ وَمِنْ اَيْنَ مَشْرَبُهُ وَمِنْ اَيْنَ مَلْبَسُهُ اِمِنْ جِلِّ ذَلِكْ اَمْ مِنْ خَرَامٍ؛ این است که آنچه را نمی‌دانی پیامبری را

رسول‌الله(ص) درباره نخستین گام‌های تقوا می‌فرماید: لَايَكُونُ الرَّجُلُ مِنَ الْمُتَّقِينَ حَتَّى يَحَاسِبَ نَفْسَهُ أَشَدَّ مِنْ حَاسِبَةِ الشَّرِيعِ لِشَرِكِهِ فَيَعْلَمَ مِنْ اَيْنَ مَطْعَمُهُ وَمِنْ اَيْنَ مَشْرَبُهُ وَمِنْ اَيْنَ مَلْبَسُهُ اِمِنْ جِلِّ ذَلِكْ اَمْ مِنْ خَرَامٍ؛ این است که آنچه را نمی‌دانی پیامبری را

رسول‌الله(ص) درباره نخستین گام‌های تقوا می‌فرماید: لَايَكُونُ الرَّجُلُ مِنَ الْمُتَّقِينَ حَتَّى يَحَاسِبَ نَفْسَهُ أَشَدَّ مِنْ حَاسِبَةِ الشَّرِيعِ لِشَرِكِهِ فَيَعْلَمَ مِنْ اَيْنَ مَطْعَمُهُ وَمِنْ اَيْنَ مَشْرَبُهُ وَمِنْ اَيْنَ مَلْبَسُهُ اِمِنْ جِلِّ ذَلِكْ اَمْ مِنْ خَرَامٍ؛ این است که آنچه را نمی‌دانی پیامبری را

رسول‌الله(ص) درباره نخستین گام‌های تقوا می‌فرماید: لَايَكُونُ الرَّجُلُ مِنَ الْمُتَّقِينَ حَتَّى يَحَاسِبَ نَفْسَهُ أَشَدَّ مِنْ حَاسِبَةِ الشَّرِيعِ لِشَرِكِهِ فَيَعْلَمَ مِنْ اَيْنَ مَطْعَمُهُ وَمِنْ اَيْنَ مَشْرَبُهُ وَمِنْ اَيْنَ مَلْبَسُهُ اِمِنْ جِلِّ ذَلِكْ اَمْ مِنْ خَرَامٍ؛ این است که آنچه را نمی‌دانی پیامبری را

رسول‌الله(ص) درباره نخستین گام‌های تقوا می‌فرماید: لَايَكُونُ الرَّجُلُ مِنَ الْمُتَّقِينَ حَتَّى يَحَاسِبَ نَفْسَهُ أَشَدَّ مِنْ حَاسِبَةِ الشَّرِيعِ لِشَرِكِهِ فَيَعْلَمَ مِنْ اَيْنَ مَطْعَمُهُ وَمِنْ اَيْنَ مَشْرَبُهُ وَمِنْ اَيْنَ مَلْبَسُهُ اِمِنْ جِلِّ ذَلِكْ اَمْ مِنْ خَرَامٍ؛ این است که آنچه را نمی‌دانی پیامبری را

رسول‌الله(ص) درباره نخستین گام‌های تقوا می‌فرماید: لَايَكُونُ الرَّجُلُ مِنَ الْمُتَّقِينَ حَتَّى يَحَاسِبَ نَفْسَهُ أَشَدَّ مِنْ حَاسِبَةِ الشَّرِيعِ لِشَرِكِهِ فَيَعْلَمَ مِنْ اَيْنَ مَطْعَمُهُ وَمِنْ اَيْنَ مَشْرَبُهُ وَمِنْ اَيْنَ مَلْبَسُهُ اِمِنْ جِلِّ ذَلِكْ اَمْ مِنْ خَرَامٍ؛ این است که آنچه را نمی‌دانی پیامبری را

رسول‌الله(ص) درباره نخستین گام‌های تقوا می‌فرماید: لَايَكُونُ الرَّجُلُ مِنَ الْمُتَّقِينَ حَتَّى يَحَاسِبَ نَفْسَهُ أَشَدَّ مِنْ حَاسِبَةِ الشَّرِيعِ لِشَرِكِهِ فَيَعْلَمَ مِنْ اَيْنَ مَطْعَمُهُ وَمِنْ اَيْنَ مَشْرَبُهُ وَمِنْ اَيْنَ مَلْبَسُهُ اِمِنْ جِلِّ ذَلِكْ اَمْ مِنْ خَرَامٍ؛ این است که آنچه را نمی‌دانی پیامبری را

رسول‌الله(ص) درباره نخستین گام‌های تقوا می‌فرماید: لَايَكُونُ الرَّجُلُ مِنَ الْمُتَّقِينَ حَتَّى يَحَاسِبَ نَفْسَهُ أَشَدَّ مِنْ حَاسِبَةِ الشَّرِيعِ لِشَرِكِهِ فَيَعْلَمَ مِنْ اَيْنَ مَطْعَمُهُ وَمِنْ اَيْنَ مَشْرَبُهُ وَمِنْ اَيْنَ مَلْبَسُهُ اِمِنْ جِلِّ ذَلِكْ اَمْ مِنْ خَرَامٍ؛ این است که آنچه را نمی‌دانی پیامبری را

رسول‌الله(ص) درباره نخستین گام‌های تقوا می‌فرماید: لَايَكُونُ الرَّجُلُ مِنَ الْمُتَّقِينَ حَتَّى يَحَاسِبَ نَفْسَهُ أَشَدَّ مِنْ حَاسِبَةِ الشَّرِيعِ لِشَرِكِهِ فَيَعْلَمَ مِنْ اَيْنَ مَطْعَمُهُ وَمِنْ اَيْنَ مَشْرَبُهُ وَمِنْ اَيْنَ مَلْبَسُهُ اِمِنْ جِلِّ ذَلِكْ اَمْ مِنْ خَرَامٍ؛ این است که آنچه را نمی‌دانی پیامبری را

رسول‌الله(ص) درباره نخستین گام‌های تقوا می‌فرماید: لَايَكُونُ الرَّجُلُ مِنَ الْمُتَّقِينَ حَتَّى يَحَاسِبَ نَفْسَهُ أَشَدَّ مِنْ حَ